( 278 )

هو الابهی

ای امآء رحمن و ورقات طیبۀ موقنۀ مطمئنه بفضل یزدان هزاران هزار دختران شهریاران و بنات سروران و بزرگان ترک پرند و پرنیان نموده و از آسایش و راحت جان و کام دل و آلایش گذشته و از پدر و مادر چشم پوشیده و از هر شادمانی و خوشی و کامرانی منقطع گشته و لباس رهبانیت در بر کرده راهبه گردید و شب و روز را بعبادت و ریاضت و خلوت و ضراعت گذرانده که شاید مشاهده پرتوی از نور حقیقت نماید و در حسرت این موهبت جان بداد و بلمعه‌ئی از انوار شعله طور فائز نگشت حال شما بشکرانه قیام نمائید که الحمد لله نجوم این نور مبین را طالع از افق جبین دارید و ظهور این آثار باهره را در حقیقت زاهره دارید و اکلیل این نعمت را بر فرق مطالع محبت الله هستید و مشارق موهبت الله و انشآء الله ناشرات هدایت الله و شکر این فضل بیمنتهی ثبوت و رسوخست بر میثاق الله بقسمی که باید چون جبال راسیات ثابتات باشید و مقاومت طوفان اعظم نمائید و چنان مشتعل و متوقد و منجذب گردید که جمیع نسا را منقلب نمائید در آستان مقدس حضرت دوست امآء الرحمن بذکر شما مشغول و ما بدعای تأیید مألوف و البهآء علیکن یا امآء الله (ع ع)